

ویژگی‌های قالیچه‌های اقوام فرشباف عرب در جنوب خراسان*

دکتر فریده طالب پور^{۰۰}

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۱۰/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۱۰/۶

چکیده:

تحقیقات علمی در راستای شناخت سبک‌های مختلف فرش دستباف ایران بسیار محدود می‌باشند. این مساله همواره مورد توجه شرق‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی بوده است و تعدادی از مطالعات انجام شده در این رابطه نیز فاقد اعتبار علمی می‌باشند. لذا شناخت ویژگی‌ها، شیوه‌های بافت، دار و ابزار قالیبافی و طرح و نقشه فرش دستباف ایران جهت حفظ این هنر - صنعت توسط محققان و اندیشمندان ایرانی امری اجتناب‌ناپذیر است تا با ثبت اطلاعات، آنها را برای آیندگان محفوظ دارند. هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی یکی از سبک‌های فرش دستباف ایران است که تولید آن کم‌کم رو به فراموشی می‌رود. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است که پس از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در موضوع مورد پژوهش، در میدان طرح نیز قالیچه‌های موجود و در حال بافت با روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی‌های آنها ثبت شده است. نتایج نشان می‌دهند که این قالیچه‌ها در مناطق جنوبی استان خراسان به صورت ذهنی باف بوده و در ابعاد کوچک تولید می‌شوند. زنان قالیباف عرب نظیر سایر زنان عشایر ایران از دار زمینی استفاده می‌کنند که با شیوه چله‌کشی ترکی چله‌کشی شده است. این قالیچه‌ها دارای بافتی درشت و پرزهای بلند می‌باشند و با دو پود ضخیم بافته می‌شوند. نخ چله و پود قالی از جنس پنبه و نخ پرز از جنس پشم می‌باشد که غالباً با رنگ‌های جوهری یا ترکیبی از رنگ‌های جوهری و گیاهی با استفاده از دندان‌رنگ‌گری شده‌اند. مهم‌ترین طرح‌های رایج شامل لچک و ترنج، ترنج و ترنج و محرمات می‌باشد. قالیچه‌های نمازی با تصاویر نمازگزاران، شتر، مسجد و درخت از طرح‌های مشهور اقوام عرب رضوانی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

قالی بافی اعراب جنوب خراسان، مواد اولیه، دار و ابزار قالی بافی، شیوه‌های بافت، طرح و نقش.

^۰ این مقاله نتیجه طرح پژوهشی مصوب دانشگاه الزهرا (س) با عنوان "بررسی قالیچه‌های اقوام فرشباف عرب در جنوب خراسان" می‌باشد که در سال ۱۳۸۱ به خاتمه رسیده است.

E-mail: talebpour@azzahra.ac.ir

^{۰۰} استادیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س).

مقدمه

پژوهش به مناطق مورد نظر مراجعه شده است که در طی مطالعات میدانی تعداد بسیار اندکی قالی در حال بافت بر روی دار مشاهده گردید که نتایج حاصل از بررسی همان تعداد اندک قالی در این مقاله آورده شده است. هم چنین تعداد قابل توجهی نیز قالی های بافته شده در منازل، مساجد و اماکن دیگر که قدمتی تا حدود صد سال یا کمتر دارند نیز مشاهده گردید که علاوه بر ثبت مشخصات، عکسبرداری از آنها نیز صورت پذیرفته است.

بنابر این در راستای شناخت این نوع از قالیچه ها، ویژگی های آنها، طرح و نقش و دار و ابزار قالیبافی اطلاعات ذی قیمتی کسب گردیده که تا کنون روشن نشده بودند. باید در تشریح و تصویر نمودن جغرافیای بافت این قالیچه ها اقدام مناسبی صورت گیرد تا اطلاعات موجود برای اجرای طرح های کاربردی و احیا این تولیدات ثبت شده و حفظ گردند. قابل ذکر است که بنا بر آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان طبس به استان یزد ملحق شده است که تغییر مرزهای جغرافیایی در نتایج به دست آمده از این پژوهش تاثیری ندارند و هدف بررسی ویژگی های قالیچه های عربی باقی است که در مناطق ذکر شده توسط عرب تباران تولید می گردند.

امروزه یکی از کانون های مهم قالیبافی در کشور استان خراسان می باشد. این استان از لحاظ تعداد مراکز قالیبافی در میان بقیه استان های کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. در این خطه سبک های مختلف بافت قالی از قبیل سبک بلوچ، ترکمن، نایین و کرد وجود دارد. یکی از تولیدات ناشناخته این استان که در حال حاضر بافت آن نیز رو به فراموشی می رود، قالیچه هایی هستند که به دست اقوام فرشباف عرب نواحی جنوبی در استان خراسان، در روستاهای اطراف شهرهایی نظیر فردوس، طبس و بیرجند تولید می شوند. این قالیچه ها از نظر شیوه های بافت و طرح و نقش دارای ویژگی های خاصی هستند که آنها را از بقیه تولیدات این استان متمایز می سازد. امروزه بافت این قالیچه ها به شدت تقلیل یافته است و به زحمت می توان در مناطقی که روزگاری این قالیچه ها به دست توانا و هنرمند دختران و زنان بافته می شد، تعدادی قالیچه بر روی دار قالی مشاهده نمود. این پژوهش تلاشی است در راستای شناخت ویژگی های اساسی این قالیچه ها که در نواحی جنوبی استان خراسان (شهرستان های فردوس، طبس و بیرجند) تولید می شوند و به قالیچه های عربی معروف هستند. مهم ترین بافندگان عرب تبار جنوب خراسان در حوالی این شهرها سکونت دارند. در این

طایفه های عرب در استان خراسان

طبس سکنی گزیدند و بازماندگان اولاد آنها نسل به نسل در شهرهای جنوبی خراسان ماندگار گشتند.^۱ در طول زمان تعدادی از این اقوام عرب به نواحی مرکزی و شمالی ایران مهاجرت نموده اند و به هر منطقه ای که وارد شده اند سنت های فرشبافی و دیگر سنن را نیز با خود برده اند. آثاری که از حضور اعراب در نواحی مختلف ایران وجود دارد حاکی از آن است که این اقوام در نواحی شرق فارس و جنوب خراسان نظیر طبس، فردوس و ورامین ساکن شده اند.^۲

سابقه قالیبافی اقوام عرب نژاد ایرانی

مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می دهند که اولین اقوام عرب که به ایران مهاجرت کردند قالی باقی نداشتند و آن را از ایرانیان آموختند. این اقوام در طول زمان به تدریج از شیوه های قالی باقی ایرانی تبعیت کردند و تولیداتی عرضه

منطقه خراسان همواره چهار راهی برای مهاجرت اقوام گوناگون بوده است. تعداد ایل ها و طایفه های مختلف در خراسان بسیار زیاد است. از مهم ترین این ایل ها می توان به طایفه های عرب ساکن در این منطقه از جمله: عرب اسکندری، عرب خدری، عرب زنگویی و سایر طایفه ها اشاره نمود. تاریخچه حضور اعراب در ایران به اواخر قرن اول تا قرون دوم و سوم هجری قمری مربوط می شود. در ایام خلافت منصور عباسی، مردم خراسان و سیستان بر علیه خلافت و حکومت وقت قیام کردند و تمام خراسان را به تصرف خود درآوردند. حازم بن خزیمه از طرف خلیفه منصور عباسی مأموریت یافت تا به جنگ آنان برود. حازم پس از یک سال نبرد، خراسان را به تصرف خود درآورد و پس از آن لشکریان وی در نواحی قاینات و قهستان (بیرجند فعلی) ساکن شدند و طوایف عرب از جمله خزیمه، شیبانی، زنگویی و نخعی در ایران باقی ماندند و به تدریج به سایر نقاط ایران مهاجرت نمودند. اعراب زنگویی در

نشان می‌دهد. اما امروزه کمیت تولید این قالیچه‌ها به شدت نزول کرده است به نحوی که به زحمت می‌توان به تعداد انگشتان دو دست، قالی بر سر دار دید. شناخت این دست‌بافته‌ها که روزگاری از رونق خوبی برخوردار بودند و امروزه نیز مشتریانی دارند، گام مثبتی در راستای توسعه این گونه تولیدات خواهد بود که با برنامه ریزی مناسب می‌توان در جهت احیای آن قدم برداشت. هم‌چنین با توجه به کمبود منابع و مآخذ موجود در رابطه با شناخت قالی ایران و اهمیت کاربرد این اطلاعات در مراکز آموزشی فرش دستباف کشور، ضروری است که ضمن بررسی و تحقیقات گسترده، انواع سبک‌های قالی ایران شناسایی و ثبت شوند. گردآوری این اطلاعات خدمت ارزشمندی به هنر-صنعت فرش دستبافت خواهد بود و بستر مناسبی را جهت مطالعات و پژوهش‌های آینده در راستای توسعه آن ایجاد خواهد نمود.

مراحل پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی می‌باشد که در دو مرحله انجام پذیرفته است:

الف) مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی: کلیه منابع موجود در این رابطه مورد مطالعه قرار گرفتند. مجموعه کتبی که در رابطه با فرش دستباف ایران به زبان‌های لاتین و فارسی نوشته شده است بسیار اندک است و این در حالی است که هر یک از این منابع نیز توجه ویژه‌ای فقط به یک سبک خاص قالی دارد. در رابطه با فرش خراسان اگرچه کتابی به چاپ رسیده است لیکن در آن به قالیچه‌های عربی اشاره نشده است. لذا جستجو در منابع کتابخانه‌ای و شبکه‌های اطلاعاتی سوابق علمی خاصی را در این مورد به دست نداد. بنابر این اطلاعات ارایه شده در بیان و شناخت ویژگی‌های قالیچه‌های اقوام عرب در جنوب خراسان توسط تحقیقات میدانی محقق گشته است.

ب) پژوهش میدانی: جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای شناخت قالیچه‌های عربی، پژوهش میدانی در میدان طرح صورت گرفت. به دلیل تولید اندک این قالیچه‌ها، "قالیچه‌های عربی" نام آشنایی حتی برای بومیان مراکز مورد پژوهش نبود و فقط تعداد اندکی با نام این قالیچه‌ها آشنا بودند و احتمال می‌دادند که در برخی از روستاها بافته شود. لذا جهت شناخت و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در راستای تبیین ویژگی‌های فرش این مناطق لازم بود که به مناطق مذکور مراجعه شده و بافته‌های قدیمی جدید از نزدیک مشاهده گردند. بنابر این پس از شناسایی مراکز تولید به آنها مراجعه شد و کلیه قالیچه‌های در حال

کردند که از نظر شیوه‌های بافت، طرح و نقش مایه‌ها شباهت‌های زیادی با قالی‌های ایرانی داشتند. البته نباید انکار نمود که در طول زمان، ذوق آزمایی‌ها و خلاقیت‌های هنری آنها منجر به تولیداتی شد که به قالیچه‌های عربی معروف شدند. سعی در استقلال، برخی از بافندگان عرب را به نحو شایسته‌ای به خلق نقش و نگاری بدیع سوق داده که در مواردی ستودنی و شایسته توجه ویژه است. قالیچه‌های معروف به عربی خراسان در چند روستای عرب‌نشین در شهرستان‌های طبس، فردوس و بیرجند تولید می‌شده است. در چند دهه گذشته شهر فردوس محل جمع‌آوری این قالیچه‌ها بود. این قالیچه‌ها از آن جهت به قالیچه‌های عربی معروف شدند که در روستاهایی که ساکنان آن از نژاد عرب بودند و برخی از آنها هنوز با لهجه عربی تکلم می‌کنند، تهیه می‌گردید. در حال حاضر عمده‌ترین مرکز تولید آنها روستاهای اطراف شهرهای فردوس و بیرجند می‌باشد که تمامی مردم آن به زبان فارسی تکلم می‌کنند و کمتر اثری از آنها در شهر طبس یافت می‌شود، اگرچه اسناد موجود، حاکی از این‌گونه تولیدات در این شهر نیز می‌باشند.^۲

مقایسه اسلوب قالی باقی طایفه‌های عرب نژاد ایرانی با طایفه‌های عرب بدوی شبه جزیره عربستان نشان می‌دهد که این دو دارای اسلوب‌های جدا و متمایزی از یکدیگر می‌باشند. برای مثال اعراب ایرانی از گره نامتقارن (فارسی) استفاده می‌کنند^۳ که آن را عموماً بر روی دو تار می‌زنند که این ویژگی منحصر است به برخی بافته‌های طایفه‌های مزیدی و برخی از قالی‌های عرب بافت ناحیه ورامین و فردوس، اما اعراب بدوی شبه جزیره عربستان گره نامتقارن را عموماً بر روی چهار نخ تار می‌زنند.^۴ این ویژگی در تفاوت ساختاری این دو گروه می‌تواند دلالت بر این داشته باشد که اعراب مهاجر به ایران قالیبافی را از فرشبافان ایرانی آموخته‌اند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در زمینه شناخت دقیق فرش دستباف ایران وثبت اطلاعات به دست آمده تحقیقات اصولی صورت نگرفته است. این در حالی است که رقبای خارجی قالی ایران، نظیر هند و چین گوی سبقت را در تولید و صادرات قالی از ایران ربوده‌اند و بخش قابل توجهی از بازارهای جهانی فرش دستباف را به خود اختصاص داده‌اند. اطلاعات موجود مربوط به قالیچه‌های عربی جنوب خراسان محدود به نوشته‌های سیسیل ادواردز در دهه ۵۰ میلادی در کتاب قالی ایران می‌باشد. ادواردز در کتاب خود نوشته است که میزان تولید قالیچه‌های عربی در دهه ۵۰ میلادی در ناحیه فردوس حدود ۱۰۰۰ تخته در ماه بوده که شامل اجناس و اندازه‌های گوناگون می‌گردید. رقم ذکر شده، تولید قابل ملاحظه‌ای از این قالیچه‌ها را در آن زمان

دار قالی بافی مشاهده گردید. اما ده ها قالیچه با ابعاد مختلف با طرح های گوناگون در منازل و اماکن وجود داشتند که مورد مطالعه قرار گرفتند. بدیهی است که شناخت ویژگی های قالیچه ها عربی بافت از مجموع اطلاعات حاصل از قالیچه های قدیمی و در حال بافت به دست می آید و نتایجی که ذیلاً بیان می شوند فقط نتایج حاصل از مطالعه قالیچه های در حال بافت است که تعداد آنها هشت عدد می رسد. نتایج تحقیقات میدانی که بر روی تعداد هشت فقره دار قالیبافی در شهرستان فردوس انجام گرفت در جدول ۱ دیده می شود.

این بررسی در شهرستان فردوس نشان می دهد که بافت این قالیچه ها به دست زنان صورت می گیرد و مردان را در این کار نمی توان دید. در اغلب موارد فقط یک نفر قالیباف مشغول به کار بافت قالی است و در یک مورد نیز دو نفر قالیباف، مادر و دختر خانواده، در کنار دار قالی مشغول بافت قالی بودند که این قالیچه به عنوان جهیزیه دختر تهیه می شد. بنابر این مشخص می شود که غالباً هر قالی فقط توسط یک نفر قالیباف بافته می شود و این کار در منازل و با سرمایه شخصی قالی بافان صورت می گیرد و هیچ گونه مراکز تولیدی متمرکز قالی در این مناطق وجود ندارد.

دار قالی بافی این بافندگان همه از نوع زمینی (افقی) بوده که امروزه همین تعداد اندک نیز تماماً از فلز ساخته شده است اگرچه شواهد نشان می دهند که دارهای قدیمی مورد استفاده همگی چوبی بوده اند اما دیگر آثاری از آنها بر جای نمانده است. تا حدود سه دهه ی قبل همگی این دارها از نوع کمان دار زمینی بوده اند. استفاده از دار قالی بافی افقی از سنت های قالی بافی عشایر ایران می باشد. ابزار قالیبافی شامل پاکی (چاقو)، دستوک (شانه) و قیچی قالی بافی می باشد. چاقو یا پاکی برای بریدن سر پره های اضافی به کار می رود. از شانه جهت کوبیدن روی پودها استفاده می شود و قیچی برای پرداخت قالی و هم سطح نمودن پره های قالی به کار می رود. تمامی دارهای قالی مشاهده شده با روش ترکی، بر روی دار چله کشی شده اند که در محل سردار و زیردار جهت جلوگیری از لغزش نخ های تار مقداری گل در لابلای نخ های تار قرار داده اند. اکثر قالیچه ها دارای تار پنبه ای سفید و پود پنبه ای سفید یا رنگی از قبیل رنگ یشمی می باشند که در نمونه های قدیمی تار و پود پشمی نیز مشاهده شد. مواد اولیه جهت قالی بافی از مراکز فروش نخ موجود در منطقه تهیه می شود در برخی موارد نیز از نخ های پشمی دستریس که در منازل تهیه می شود استفاده می گردد. قالی بافان سالخورده ای که دیگر قادر به قالی بافی نیستند همواره دوکی بردست و مقداری پشم در کنار خود دارند و نخ دستریس پشمی تولید می کنند که از آنها در بافت قالیچه ها استفاده شود.

بافت مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد قابل توجهی نیز بافته های قدیمی در منازل قالی بافان یا ساکنین روستاها وجود داشت که ضمن مشاهده و ثبت ویژگی های آنها عکسبرداری نیز انجام گردید. جمع آوری اطلاعات از طریق کارت مشاهده انجام پذیرفت. کارت مشاهده در این پژوهش شامل چهار بخش به شرح ذیل بود:

در بخش اول اطلاعات مربوط به قالی بافان ثبت گردید، در این بخش تعداد قالی بافانی که مشغول بافت قالی بودند، سن و جنس آنها مورد بررسی و سپس ثبت قرار گرفت.

بخش دوم به اطلاعات مربوط به دار و ابزار قالی بافی اختصاص یافت. شناخت و وسایل کار از اصول اولیه این تحقیق می باشد. نوع دار قالی بافی و جنس آن و انواع ابزاری که توسط قالی بافان استفاده می شوند مورد شناسایی قرار گرفتند.

بخش سوم اطلاعات به مواد اولیه مورد مصرف جهت قالی بافی اختصاص داشت که به بررسی نخ پرز، تار و پود فرش پرداخته شد و مشخص گردید که مواد اولیه چگونه و با کدام گروه از مواد رنگ زا، رنگرزی می شوند.

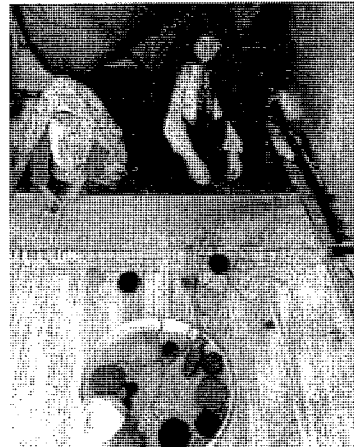
ویژگی های بافت قالی در بخش چهارم تعیین گردیدند. نوع گره قالی، شیوه پودگذاری، نوع گلیم باف، نحوه شیرازه پیچی و فنون بافت قالی بررسی شد و ثبت گردید.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه قالیچه های عربی بافت و قالیچه های بافته شده قدیمی موجود در منازل و اماکن مانند مساجد در جنوب استان خراسان است. به دلیل نبودن اطلاعات و آمار کافی در مورد تعداد قالی بافان در مناطق مورد مطالعه نمونه گیری با روش سرشماری صورت گرفت. با مراجعه به کانون های بافت این قالیچه ها در شهرستان های طبرس، فردوس و بیرجند و روستاهای اطراف فردوس از جمله روستای خانکوک و سه قلعه تعداد بسیار اندکی از این قالیچه ها در حال بافت مشاهده شد. در طبرس و بیرجند هیچ قالیچه ای بر روی دار مشاهده نگردید. لیکن تعدادی قالیچه قدیمی در هر سه منطقه مشاهده شد که از روی آنها می توان به ویژگی های بافت و نقوش آنها پی برد و تغییراتی را که در طول زمان بر طرح و نقوش این قالیچه ها حادث گشته است را شناسایی نمود. لذا بیشتر اطلاعات به دست آمده از این دست بافته ها بر اساس مطالعه و بررسی قالی های قدیمی می باشد که غالباً در خانه های قالی بافان به عنوان گنجینه ای گران بها حفظ شده و به صورت لوله شده در اتاق ها نگهداری می گردند تا فقط در ایام خاصی نظیر عروسی یا بازگشت حاجیان از حج مورد استفاده قرار گیرند.

نتایج حاصل از تحقیقات میدانی

ذکر این نکته ضروری است که علیرغم جستجوهای فراوان در مناطق مورد نظر تعداد اندکی قالی در حال بافت بر

نمودن پرزها می‌نماید و یا اینکه پس از پایان بافت، قالی جهت پرداخت به کارگاه پرداخت ماشینی فرستاده می‌شود. بررسی ارتفاع پرزها روی این قالیچه‌ها نشان می‌دهد که نسبتاً دارای ارتفاع بلندی هستند که تا برخی موارد به حدود ۲ سانتی متر نیز می‌رسند. این قالیچه‌ها را اصطلاحاً گُوشتی می‌نامند که حالت نرمی در زیر پا احساس می‌شود. رج شمار این قالیچه‌ها پایین و بین ۱۵ الی ۲۵ تغییر می‌کند که قالیچه‌های درشت بافی می‌باشند.



تصویر ۱ - دار قالی بافی افقی و زنان بافنده

جدول ۱: ویژگی‌های قالیچه‌های عربی باف

درصد	فراوانی	ویژگی
		تعداد بافنده به ازای هر دار قالی:
۸۷/۵	۷	یک نفر بافنده به ازای هر دار قالی
۱۲/۵	۱	دو نفر بافنده به ازای هر دار قالی
۱۰۰	۸	تعداد بافندگان زن
۱۰۰	۸	دارهای افقی فلزی
۱۰۰	۸	روش چله کشی ترکی
		جنس نخ تار:
۸۷/۸	۷	پنبه ای
۱۲/۵	۱	پشمی
		جنس نخ پود:
۸۷/۵	۷	پنبه ای
۱۲/۵	۱	پشمی
۱۰۰	۸	نخ خامه پشمی برای پرز
۱۰۰	۸	گره نامتقارن (فارسی)
۱۰۰	۸	شیرازه از نوع متصل
۱۰۰	۸	شیرازه از جنس پشم
۱۰۰	۸	گلیم باف نوع فارسی
		روش پرداخت قالیچه:
۳۷/۵	۳	روش دستی
۶۲/۵	۵	روش ماشینی

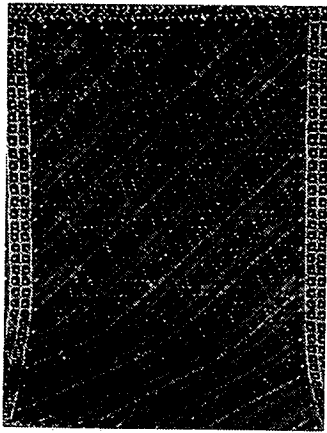
طرح و رنگ

طرح‌های این قالیچه‌ها همان گونه که اشاره گردید از نوع هندسی و ذهنی می‌باشد که بدون کاربرد نقشه از پیش آماده شده بافته می‌شوند. نقوش این قالیچه‌ها به طور کلی از نظر فرم و شکل تابع طرح‌های قدیمی و کهن ایران زمین هستند. کاربرد برخی از نقش‌مایه‌های هراتی و گل‌های شاه‌عباسی این نظریه را تایید می‌کند. از مهم‌ترین نقشه‌های قالیچه‌های عربی می‌توان به طرح جانمازی اشاره نمود که عمدتاً توسط اعراب رضوانی بافته می‌شوند. تصویر این قالیچه‌ها مشتمل بر تصویر یک یا چند نفر نمازگزار است و در دورنمای آن گنبد مسجدی دیده می‌شود. هم‌چنین نماد درخت سرو یا درختان

قالیچه‌ها تماماً از پرز پشمی بافته می‌شوند که رنگرزی آنها عموماً ترکیبی از رنگرزی گیاهی و شیمیایی می‌باشد. ابعاد قالیچه‌ها کوچک بوده و اغلب در ابعاد $1/8 \times 1/8$ تا $1/5 \times 2/8$ متر مربع تولید می‌شوند و گره آنها از نوع گره نامتقارن یا فارسی است. اکثریت قریب به اتفاق قالیچه‌های عربی فردوس دو پود می‌باشند که ضخامت این دو پود یکسان بوده یا اندکی با هم متفاوت می‌باشد.

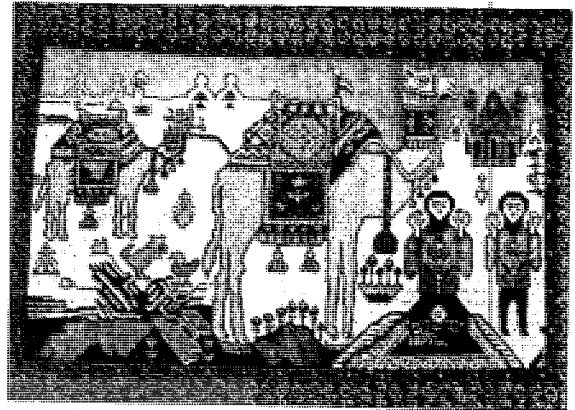
انواع طرح‌های هندسی ذهنی نظیر هندسی قاب دار و هندسی ترنج دار با تعداد رنگ بین ۶ الی ۱۱ بافته می‌شوند. رنگ غالب زمینه این قالیچه‌ها تیره و مات می‌باشد که غالباً لاکه و سرمه‌ای رنگ است. کاربرد رنگ زرد-نارنجی در رنگ آمیزی این قالیچه‌ها از ویژگی‌های مختص آنها می‌باشد. رنگرزی مواد اولیه با ترکیبی از رنگ‌های گیاهی و رنگ‌های جوهری از نوع اسیدی موجود در بازار صورت می‌گیرد که از دندان‌زاج سفید به همراه آب لیمو و آب غوره استفاده می‌شود. عملیات رنگرزی غالباً در منازل و توسط زنان صورت می‌گیرد. یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز در این سبک از بافت، استفاده از شیرازه یا کناره متصل از جنس موی سیاه بز بوده که امروزه جای خود را به نخ پشمی از جنس پرز زمینه داده است. شیرازه در اصل ساختار لبه‌های طولی و خارجی فرش را تشکیل می‌دهد. در این قالیچه‌ها شیرازه پیچی در هنگام بافت قالی صورت می‌گیرد که غالباً از نخ پشمی به رنگ لاکه یا سرمه‌ای استفاده می‌شود. در برخی از انواع قالی، ممکن است شیرازه دارای ویژگی خاصی باشد که باعث متمایز شدن آن از سایر قالی‌ها باشد. نوع گلیم بافی در ابتدا و انتهای این قالیچه‌ها با شیوه فارسی می‌باشد. استفاده از تزیینات در این قسمت و الصاق منگوله‌های رنگارنگ در قسمت گلیم بافت در نمونه‌های قدیمی مشهودتر است. اگر چه این شیوه امروزه کاربردی ندارد و گلیم باف‌ها ساده و بدون تزیین شده‌اند.

پرداخت این قالیچه‌ها به دو شیوه صورت می‌گیرد، یا در هنگام بافت پس از بافتن چند رج گره بافنده اقدام به پیچی

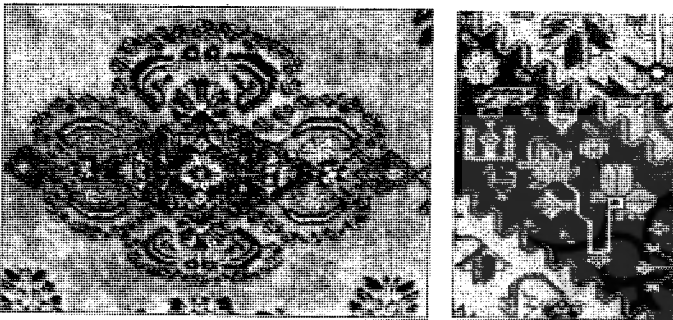


تصویر ۴- طرح محرّمات با حاشیه بته جقه

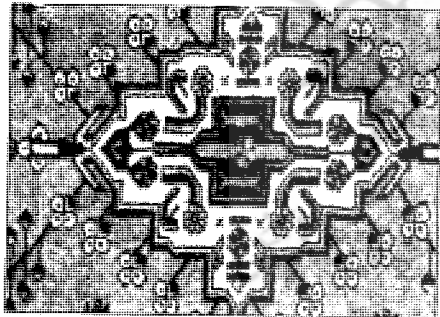
دیگر با نقبش شتران و کجاوه به کار رفته است. ذهنی بافی و عدم کاربرد نقشه در بافت قالی و تلاش قالی بافان در کپی نمودن برخی از طرح های گوبلنی منجر به تلاش شکست خورده ای در برخی موارد شده است.



تصویر ۲- طرح جانمازی که غالباً در ابعاد پشتی بافته می شود.



تصاویر ۵-۷
تعدادی از نقش مایه های رایج در فرش های عربی بافت



تصویر ۳- نمونه ای دیگر از طرح جانمازی با رنگ بندی متفاوت

مهم ترین و رایج ترین نقوش این قالیچه ها شامل طرح لچک و ترنج، ترنج-ترنج و محرّمات می باشد. در برخی از طرح ها انواع نقش مایه ها از قبیل گل و گلدان، حیوانات و پرندگان در متن فرش پراکنده اند. از رایج ترین نقش مایه ها می توان بته جقه، هراتی، گل و مرغ و چند ضلعی های منظم و نامنظم را نام برد که در متن فرش یا حاشیه آن استفاده شده اند. تاثیر پذیری نقوش این قالیچه ها از مراکز بافندگی همسایه مانند بلوچ نمود آشکاری دارد به نحوی که می توان نگاره های های بلوچی را مکرراً در برخی از بافته ها مشاهده نمود.

در بافته های جدید ذوق آزمایی های نافرجام تعدادی از قالی بافان دیده می شود. بافتن قالیچه هایی که مضمون آنها از مناظر شاعرانه و لیلی و مجنون الهام گرفته می شود باعث شکستگی آنها در بافت این طرح ها می گردد. عدم رعایت تناسب نسبت های بدن و غلط بافی به خصوص در صورت و انگشتان دست منجر به تولیدات فاقد ارزشی می شود که اگر چه به دست



تصویر ۸- طرح لچک و ترنج با حاشیه هراتی

بحث

انگیزه اصلی مطالعه مستقل قالیچه‌های عربی بافت در جنوب خراسان اساساً به دو نکته مربوط می‌شود. نکته اول نوشته‌های سیسل ادواردز در کتاب قالی ایران می‌باشد که سطوری را به بیان ویژگی‌های این قالیچه‌ها اختصاص داده است و تعدادی از مراکز تولید این قالیچه‌ها را در آن زمان مطرح نموده است. فرش ایران و بحث در خصوص آن یکی از مسایل مورد علاقه شرق‌شناسان بوده است. اغلب مطالعات انجام شده در این خصوص فاقد بنیاد علمی بوده و از مبنای صحیحی برخوردار نیستند. نکته دوم این که، در راستای اجرای طرح پژوهشی دیگری که مرتبط با فرش دستباف استان خراسان بود، عشایر عرب قالی بافی مشاهده شد که قالیچه‌هایی تولید می‌کردند که در هیچ منبعی نمی‌توان اطلاعاتی در مورد این بافته‌ها به دست آورد و اجرای این طرح پژوهشی، زمینه شناخت این قالیچه‌ها را فراهم نمود تا در برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آتی فرش دستباف مورد توجه مراکز ذی‌ربط قرار گیرند.

نتایج کلی حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که قالی بافی امروزی اعراب ساکن ناحیه جنوب خراسان مانند سایر ایلات عشایری به دست زنان صورت می‌گیرد. استفاده از دار افقی از سنت‌های اصیل این قالی بافان می‌باشد که با شیوه ترکی چله کشی شده‌اند. در روی سردار جهت جلوگیری از لغزش نخ‌های چله در هنگام قالی بافی مقداری گل گذاشته می‌شود. نخ مورد مصرف این قالی بافان از نخ‌های پشمی کارخانه‌ای ریس است که غالباً خود بافندگان آنها را با ترکیبی از رنگ‌های گیاهی و شیمیایی رنگ‌رزی می‌کنند. استفاده از نخ پشمی دست‌ریس در گذشته در بافت این قالیچه‌ها رواج داشته است. قالی بافان سالخورده‌ای که دیگر قادر به قالی بافی نمی‌باشند غالباً به ریسیدن نخ پشمی مشغول هستند. از ویژگی‌های قالیچه‌های امروزی عربی استفاده از دو پود در بافت قالی است که ضخامت این دو پود یکسان بوده یا اندکی با هم متفاوت است. در نمونه‌های قدیمی‌تر این سبک، از پود پشمی قرمز رنگ به شیوه افشار کرمان، نیز استفاده شده است اما تغییر صورت گرفته است این است که در طول زمان نخ پود پشمی جای خود را به نخ پود پنبه‌ای داده است.

بررسی رنگ بندی این قالیچه‌ها نشان می‌دهد که زنان قالی باف عرب تمایل به استفاده از رنگ‌های تیره و مات دارند. کاربرد رنگ نارنجی در رنگ بندی این بافته‌ها از ویژگی‌های اختصاصی آنها می‌باشد. سیروس پرهام، یکی از محققین فرش دستباف ایران، معتقد است که کنار هم قرار دادن این رنگ‌های تیره و مات در قالیچه‌های عربی ممکن است برانگیخته عوامل روانشناختی باشد. یعنی بخشی از

بافنده عرب تبار خراسانی بافته می‌شود اما دیگر در آن آثار، شیوه‌های عربی دیده نمی‌شود. در واقع باید گفت آنچه که امروز به نام قالیچه‌های عربی در جنوب خراسان معرفی می‌شوند، اگر چه اندک می‌باشد، وجوه اشتراکی زیادی در طرح و نقش با سایر قالیچه‌های عربی در ناحیه جنوبی ایران ندارند. دلیل این امر را می‌توان تأثیر پذیری سنت‌های فرش بافی این اقوام را از مراکز فرش بافی همسایه دانست. این مردم کاملاً در بافت جمعیتی مناطق جنوبی خراسان ادغام شده‌اند و چهره‌ای ایرانی یافته‌اند. تولیدات امروزی آنان غالباً به سبک نایب بوده که دارای بازار تقاضای مناسبی می‌باشند و کمتر از رنگ و بوی عربی برخوردار است.



تصویر ۹- شکستگی در طرح و عدم تناسب در نقشه‌های کپی شده

در این قالیچه‌ها رنگ بندی، تنوع و تعداد رنگ‌ها و هماهنگی و هارمونی بین آنها ارزش مطالعاتی خاصی داشته و نیازمند بررسی‌های بیشتری می‌باشد. در مطالعه رنگ بندی در این قالیچه‌ها باید اذعان نمود که تعداد رنگ‌ها در آنها محدود بوده و غالباً بین ۶ الی ۱۰ رنگ استفاده می‌شود. رنگ‌رزی مواد اولیه با استفاده از رنگ‌های جوهری و یا ترکیبی از رنگ‌های گیاهی و جوهری انجام می‌شود. غالباً آزرش دندان‌دانه دادن همزمان استفاده می‌شود که دندان‌دانه در اصطلاح محلی "ضخم" نامیده می‌شود. گاهی تلاش آنان برای به دست آوردن رنگ مطلوبشان به ثمر نمی‌نشیند و بنابر این عملیات رنگ‌رزی را برای بار دوم تکرار نموده یا با افزودن مواد تعاونی نظیر آب لیمو به حمام رنگ‌رزی یا طولانی‌تر کردن فرآیند رنگ‌رزی سعی می‌کنند تا به فام مورد نظر برسند. زنان قالی باف عرب تمایل به کاربرد رنگ‌های تیره و مات دارند نظیر لاک‌سیر، قهوه‌ای و سرمه‌ای که در بافته‌های قدیمی مشهودتر است و رنگ‌های شاد و روشن کمتر در بافته‌های آنان به چشم می‌خورد. اما از شناسه‌های اصلی این قالیچه‌ها می‌توان به کاربرد رنگ زرد- نارنجی اشاره نمود که به صورت محدود به کار می‌رود.

شبهات نقوش این بافته ها با قالیچه های بافت بلوچ بسیار زیاد می باشد به گونه ای که امروزه تاثیر پذیری این قالیچه ها از قالیچه های بلوچی کاملاً به وضوح دیده می شود. استفاده از نقوش جانوری نظیر شتر و نقوش دیگر مانند کجاوه و سجاده رواج دارد. تاثیر پذیری نقوش قالی از نقشه های جدید مانند طرح گوبلن و مینیاتور نیز در بافته های جدیدتر دیده می شود که بعضاً به دلیل عدم وجود نقشه و ذهنی باف بودن فرش در قسمت هایی از طرح، به خصوص دست، صورت و سایر قسمت های دیگر اشتباهاتی صورت گرفته است که در نتیجه از زیبایی طرح کاسته شده است.

تیرمگرایی این طایفه ها نتیجه فقر و پریشانی آنها باشد و بخشی هم حاصل محیط خشک و کم آب مناطق زندگی آنها و شاید هم خصلت های قومی و نژادی در این امر بی تاثیر نباشند. استفاده از شیرازه متصل از جنس موی سیاه بز در قالیچه های قدیمی کاملاً مشهود است. اگر چه امروزه شیرازه تمامی این قالیچه ها از جنس نخ پشم زمینه فرش می باشد. اغلب قالیچه های قدیمی دارای گلیم باف های مطرح و رنگی هستند و منگوله هایی نیز جهت زیبا تر کردن گلیم باف به آن متصل شده است. این قالیچه ها تماماً ذهنی و بدون نقشه بافته می شوند.

نتیجه گیری

استفاده قرار گیرند. اما باید اذعان نمود که همواره تقاضایی هر چند اندک برای این قالیچه ها وجود دارد. با ایجاد تقاضا برای این قالیچه ها افراد خاصی در کانون های بافت، این قالیچه ها را جمع آوری نموده و به فروش می رسانند. لذا شناخت شیوه ها و سنن بافت این قالی ها گام موثری در احیای آنها خواهد بود و با شناخت بهتر از واقعیت موجود می توان این میراث فرهنگی چند هزار ساله را حفظ نمود. با مدیریت و برنامه ریزی مناسب می توان گام های مثبتی در راستای رشد و توسعه این هنر - صنعت برداشت و جایگاه مناسبی را در بازارهای جهانی فرش به دست آورد.

امروزه بافت قالیچه های معروف به عربی در جنوب خراسان امر بی رونقی بوده و تولید آنها بسیار محدود شده است. فقط تعداد نادری هستند که به نام قالیچه های عربی را شنیده و مراکز تولید آنها را می دانند و به زحمت می توان تعدادی از این نوع قالیچه ها را بر دار قالی بافی دید. هر قالیچه ای بر دار حکایت از آن دارد که به عنوان چهیزی در مایملک دختر بزرگ خانواده قرار می گیرد و گاهی نیز به مصرف شخصی قالیباف رسیده و کمتر راهی بازارهای فروش می گردد. نمونه های قدیمی این قالیچه ها به صورت لوله شده در اتاق ها و پستوها نگهداری می شوند تا در زمان خاصی نظیر اعیاد و جشن ها مورد

پی نوشت ها

- ۱- میرنیا، ۱۳۶۹، ۱۵۲.
- ۲- پرهام، ۱۳۷۹، ۴۰.
- ۳- ادواردز، ۱۳۶۸، ۲۱۳.
- ۴- ادواردز، ۱۳۶۸، ۲۱۴.
- ۵- پرهام، ۱۳۷۹، ۴۱.

منابع

- ادواردز، سیسیل. قالی ایران. ترجمه مهین دخت صبا. فرهنگسرا. تهران. ۱۳۶۸.
- پرهام، سیروس. اقوام فرشباغ عرب در ایران. مجله فرش دستباف ایران. سال ۶ شماره ۱۸. ۱۳۷۹. صص ۴۴-۴۰.
- میرنیا، سید علی. پژوهشی در شناخت ایل ها و عشایر خراسان. چاپ شمشاد. ۱۳۶۹.